

گوشه هایی از تاریخ

داستان «ارومیه» یا «اورمیه» در صد سال پیش داستان «ارومیه» یا «اورمیه» در صد سال پیش مرحوم تمدن در کتاب اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضاییه مطلبی با عنوان «مقصود از تشکیلات قوای مسلحه [سال 1297 ه ش] چه بود؟» آورده است که در بخشی از آن به موضوع ارومیه یا اورمیه نیز پرداخته است که خواندن آن خالی از لطف نیست، در پایین عین نوشته مرحوم تمدن آورده می شود.

مقصود از تشکیلات قوای مسلحه چه بود؟

در سالهای اخیر قبل از جنگ عمومی، راجع به ملل قدیمه تاریخ هائی، از طرف خارجیها چاپ و توزیع میشد، در این تواریخ، نظر بعضی زمین شناسان و مستشرقین را که برحی ظروف و آثار در بعضی از نقاط مشرق زمین، از زیر خاک بدست آورده بودند، ثبت کرده و مقاصد و دلایل خود را، بر پایه این ظروف و آثار قرار داده، با آب و تاب سخنانی نوشته و عکس آثار مشکوفه را نیز کلیشه کرده و این تاریخها را در دست رس عموم قرار میدادند شاید بعضیها با خواندن آن نوشته ها، تصور میکردند که آنها از جمله محققین و متخصصین بوده اند که بعضی (بدون نظر و بیطرفانه) درباره آن مطالب بحث و فحص نموده اند.

برخی که دقت نظر داشتند، بامطالعه مطالب آن تواریخ پی میبردند که تحقیقات و نظریات باستانشناسی، آلت دست نویسندگان آن تاریخ شده و نویسنده از دلیل و شاهد آوردن آنها منظور دیگری، در جهت انحراف ذهن و سوابق خوانندگان داشته است.

باید بذکر این نکته باریک پرداخت که سالها قبل از بروز جنگ عمومی، عده ای از سیاسیون خوب می دانستند که آرامش جهان آنروز، تبدیل بطوفان شده و جنگ جهانگیرانه درگیر خواهد شد و دامنه آن تا بکجاها خواهد رسید این بود که درصدد برآمده بودند که برای تحرك احساسات ملل کوچک و فریفتن و آلت دست کردن آنها در آینده، به تحریف های خطرناک مسائل و مدارك موجود، دست زدند و آنها را بصورت تاریخ ملتها درآورده، و نظریه های قدمت تاریخی - نژادی - آثار قدیمه را بقدری ماهرانه و انحراف دهنده در آن تواریخ گنجانیده و در دسترس مردم قرار داده بودند که خواننده بی اطلاع، حتماً گمراه می گردید مثلاً مورخین نامی جهان، در این باره که قوم ماد اولین ملتی

است که در آذربایجان ایران زیسته و پایتخت ماد صغیر شهر ارومیه (رضائیه فعلی) بوده است و بعداً زردشت شخصیت روحانی (سیاسی و گیاه شناس و اختر شناس) بزرگ و مشهور در همین سامان متولد شده است و قبر مادرش نیز در دهکده آمی که عربها امی میگفتند از قراء رضائیه می باشد، ولی در آن تواریخ اینگونه منابع تاریخی را کاملاً دگرگون ساخته حتی درباره نام ارومیه نیز داخل بحث های گمراه کننده شده بودند، و کلمه ارومیه را بصورت ارومیه ذکر کرده و این شکل جدید را از زبان آشور دانسته و معنائی هم برای آن یاد کرده بودند که ارومیه از دو کلمه اور (بزبان آشور شهر) و میاه (یعنی آب) درست شده پس ارومیه یعنی شهر آب.

آنوقت برای گمراهی بیشتر خواننده بی اطلاع کلمات اورشلیم، ارومیا را هم مثال آورده بودند در حالی که طبق تواریخ معتبر عربی و ایرانی مانند تاریخ اصطخری حدود العالم و ... از هجرت حضرت محمد (ص) تا امروز ارومیه را با اشکال ارمیه - ارمیا - ارومی ذکر کرده اند و حتی اسامی قبل از اسلام را نیز قبلاً یاد آور شدیم. متأسفانه بعضی از نویسندگان فاضل نیز نوشته برخی اشخاص و دیگران و لرد گرز [وزیر امور خارجه انگلستان] ها را وحی منزل دانسته بدون توجه بتواریخ معتبر و سیاحتنامه های عرب و عجم گفته آنان را عیناً نقل و حتی روی کاغذ و کتاب نیز آورده اند در حالی که اگر به منابع و ماخذهای مشهور مراجعه میکردند میدیدند که این نوع کتابت: (اورمیه) و بحث در اطراف آن را اختراعات و محدثات اخیر خارجیها می باشد.

بطوریکه در کتب تاریخ نویسندگان قدیم دیده می شود همه برسم الخط ارومیه نوشته شده اصطخری در سالهای 189 - 181 ابن حوقل 239، 247 مقدسی 375، 380 مسعودی جلد اول 97 ابولفداء 42 یاقوت جلد اول 513 قزوینی جلد دوم 194 مسعودی 326 حافظ ایرو 27 ابن مسکوه 539.

قبل از اسلام مورخین یونان مانند استرابن پنجاه سال قبل از میلاد و سایرین از مورخین یونانی.

ابن خردادبه در مسالك و ممالك خود که از مقربان خلیفه معتمد بوده که بااطلاع کامل از مسافت شهرها و ممالك و احوال و اوضاع تجارتي و زراعی آن و منابع ثروت آنانرا تحقیقاً بیان و بررسی باز با همین رسم الخط نوشته.

و با وجود مدارك و مأخذ فراوان باز بعضی از نویسندگان اخیر می نویسند: که بعضیها ارومیه ارومیه هم نوشته اند

در اینجا باید پرسید چه کسی نوشته است؟! البته لرد
گرزین ها.

و همین نوشته های پر از انحراف بود که در مغز بعضی از
افراد جایگزین شد و در شهر ارومیه نیز ذهن قوم مسیحی
را مشوب ساخت و آنها را که صد سال برادرانه با
ایرانیان در جلگه زیبای ارومیه زیسته بودند، از مسلمین
جدا نمود، و آنها را بدشمنی با مسلمین و اهالی ارومیه
واداشت. يك دفعه آلت سیاست بیگانگان شدند، و در صدد
برآمدند که استقلال و خودمختاری برای ارومیه بخواهند، و
مقدمه مجلس شورا را در این شهر فراهم آورده و هیئت
رئیسه آنرا هم تعیین نموده و حزب جمهوری خواه درست کردند
و نظامنامه و مرامنامه آنرا تعیین نمودند... و مقصد و
منظور خود را از ایجاد تشکیلات قوای مسلحه آشکار ساختند
... و همین روشها بود که کسان اسماعیل آقا سمیتگو بعدها
بفکر خودمختاری افتادند.

منبع: اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه،
کتابفروشی اسلامی، تمدن، محمد، 1350 ش، ص 201 و 202
به گزینش محمدرضا محمد قلی زاد